



@fosselat

پایگاه رسمی

انسان شناسی (قسمت دوم)

موضوع

[فناپذیری (ابدیت) و ارتباط آن با ابعاد وجودی انسان]

تهیه شده توسط حجت الاسلام علی رجبی



الف) ابعاد وجودی انسان

- ۱- بعد مادی (بدن)
- ۲- بعد معنوی (روح)

ب) موانع شناخت و درک ابدیت





@fosselat

انسان شناسی (قسمت دوم)

موضوع

[فناپذیری (ابدیت) و ارتباط آن با ابعاد وجودی انسان]

الف: ابعاد وجودی انسان

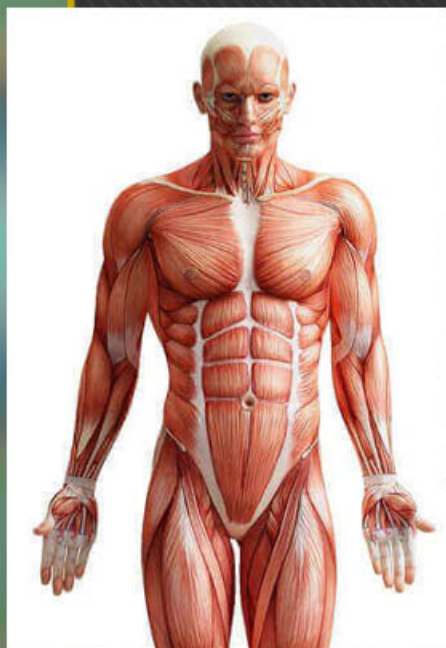
۱- بعد مادی (بدن)

اول = خلقت بدن از جهت کیفیت و مراحل خلقت آن

دوم = کیفیت ترکیب و صورت بندی بدن

سوم = ارتباط بدن با روح و کیفیت آن

چهارم = سرنوشت بدن بعد از مرگ و در نهایت ، قیامت و معاد





تمام ادیان الهی بر این عقیده اند که انسان دارای دو بعد است :

- 1- بعد **مادی** که همین جسم اوست و دارای آثاری است .
- 2- بعد **معنوی** و **روحی** است که تمام حرکات و رفتارهای انسان از او سرچشمه می گیرد

<- فلسفه صدرایی گوید : انسان "مادیه الحدوث" و "روحانیه البقا" است ، یعنی نشئه وجودی انسان ماده است و ماده استعداد است که اگر زمینه برای آن مهیا شود ، استعداد های نهفته در او به فعلیت می رسد . یکی از این استعداد ها ، **حرکت تکاملی از ماده به مجرد است.**



اول => خلقت بدن از جهت کیفیت و مراحل خلقت آن

کیفیت و مراحل خلقت انسان : به دو صورت بوده
الف (خلقت بدن آدم و حوا (ع)

سیر تکوین انسان اولیّه =>

خاک: كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ (آل عمران 59) مانند داستان آدم است که [بیکرا] او را از خاک آفرید

آب: وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا (فرقان 54) اوست که از آب، بشری آفرید

ماده ای مرکب از آب و خاک به نام گل : وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ (مومنون 12)

همانا ما انسان را از چکیده ای از گل آفریدیم

لجن بدبو: وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ (حجر 26)

ما انسان را از گلی خشک برگرفته از لجنی بدبو و تیره رنگ آفریدیم

گل چسبیده : إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ (صافات 11) ما آنان را از گلی چسبنده آفریدیم

گل پخته شده : خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ (الرحمان 14) انسان را از گلی خشکیده چون سفال آفرید

نفس واحده : يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً (نساء 1)

ای مردم! از پروردگارتان که شما را از یک [حقیقت و] روح آفرید و جفتش را از [جنس] او پدید آورد پروا کنید، و از آن دو تن، مردان و زنان بسیاری را

منتشر ساخت، و از خداوندی که به نام او از یکدیگر درخواست می کنید

=> از آیات بالا بدست می آید خلقت آدم و حوا (ع) بواسطه پدر و مادر نبوده است



اول => خلقت بدن از جهت کیفیت و مراحل خلقت آن
 کیفیت و مراحل خلقت انسان : به دو صورت بوده
ب) خلقت از طریق والدین باطی مراحل خاص جنینی

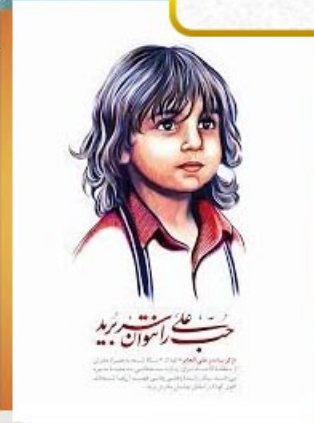
وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ {12} ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ {13}
 ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا
 آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (مومنون آیات 12 الی 14)

همانا ما انسان را از چکیده ای از گل آفریدیم «12» سپس آن را نطفه ای در قرارگاهی استوار قرار دادیم «13» آن گاه نطفه را به صورت خون بسته، و خون بسته را به صورت پاره گوشتی درآوردیم، آن گاه از آن پاره گوشت استخوان هایی آفریدیم، پس بر استخوان ها گوشت پوشانیدیم، سپس او را با آفرینشی دیگر پدید آوردیم، خجسته و پرخیر است خداوند که نیکوترین آفرینندگان است «14»

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ
 مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ آجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نَخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ
 لِيَتَّبِعُوا أَسْدَكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُوَفِّيٰ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى
 الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (حج آیه 5)

ای مردم! اگر درباره برانگیخته شدن [پس از مرگ] در تردید هستید پس [به این حقیقت توجه کنید که] ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه، آن گاه از علقه، بعد از آن از پاره گوشتی شکل یافته و شکل نیافته به وجود آوردیم تا [قدرت خود را بر هر کاری] برای شما روشن کنیم، هر جنینی که خواست ما باشد تا مدتی معین در رحم ما مستقر می سازیم، سپس شما را به صورت کودک [از رحم مادر] بیرون می آوریم، [وزمینه رشدتان را فراهم می سازیم] تا به نیرومندی [جسمی و فکری] خود برسید، برخی از شما [پیش از فوتی] قبض روح می شوید، و بعضی از شما را به پست ترین دوره عمر [که نهایت پیری است] می برند تا جایی که از دانشی که داشت هیچ نداند. [از نشانه های دیگر قدرت ما این است که] زمین را [در زمستان] خشک و بی گیاه می بینی، پس زمانی که آب [باران] را بر آن می فرستیم می جنبد و رشد می کند، و از هر نوع گیاه شاداب و زیبایی می رویاند

دوم <= کیفیت ترکیب و صورت بندی بدن



سوال آیا این شکلی که بدن ساخته شده است ، بهترین شکل ممکن برای بدن است یا شکلی بهتر از این هم ممکن می باشد ؟
 آیا جای اعضای بدن اگر عوض شود ، شکل بهتری به وجود نمی آید ؟
 چه دلیلی وجود دارد که این شکل بهترین شکل است ؟

جواب : رسیدن به پاسخی قطعی کاری دشوار است .

اجمالاً از باب نقل می توانیم بگوییم که این شکل بهترین شکل ممکن است ، زیرا حکیمی آن را طراحی کرده است که از جهت علم ، قدرت و حکمت ، کامل مطلق بوده و می باشد

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (تین آیه 4)

که ما انسان را در نیکوترین نظم و اعتدال آفریدیم

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ۗ

ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (غافر ۶۴)

خداوند است که زمین را برای شما جایگاهی امن و قابل سکونت آفرید، و آسمان را [چون قبه ای] برافراشته [بالای سرتان قرار داد]، و شما را صورتگری کرد و صورت هایتان را نیکو ساخت، و شما را از نعمت های پاک و دلپذیر روزی داد، این است خداوند پروردگار شما، خجسته و پُرخیر است خداوند که پروردگار جهانیان است

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ ۗ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (تغابن آیه ۳)

آسمان ها و زمین را به حق آفرید، و شما را صورت گری کرد و صورت هایتان را نیکو ساخت، و بازگشت به سوی اوست



سوم => ارتباط بدن با روح و کیفیت آن
 چهارم => سرنوشت بدن بعد از مرگ و در نهایت، قیامت و معاد
 این دو موضوع در بعد معنوی بیشتر شرح داده می شود





@fosselat

انسان شناسی (قسمت دوم)

موضوع

[فناپذیری (ابدیت) و ارتباط آن با ابعاد وجودی انسان]

الف: ابعاد وجودی انسان

۲- بعد معنوی



الف (ارتباط روح با بدن)
ب (قطع ارتباط روح با بدن)
ج (فنا ناپذیری و بقای روح)



الف) ارتباط روح با بدن

- بعضی سوال های مورد بحث در این مورد:

- ۱- آیا چیزی به اسم روح وجود دارد؟
- ۲- علائم و ادله این ارتباط چیست؟
- ۳- آیا اعضای بدن به یک شکل با روح ارتباط دارد، یا بعضی اعضا مانند قلب بیشترین و بهترین ارتباط را با روح دارد؟
- ۴- تفاوت ارتباط بدن با روح، در حالات خواب و بیداری چیست؟
- ۵- آیا بعد از مرگ ارتباط با بدن از بین می رود یا برخی می توانند این ارتباط را برقرار سازند؟ کیفیت این ارتباط چگونه است؟

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ؟؟؟ (اسراء 85)

از تو درباره روح می پرسند

=> برای فهم قدری از این ارتباط، لازم است

الف) ارتباط روح با بدن

=> ویژگی های عمده روح و بدن را شناخت :

- اصل درک و شعور ، مخصوصا در مرتبه خود آگاهی :

افرادی هستند که درک و شعور دارند ، اما خود آگاهی ندارند . خود آگاهی از ویژگی های روح انسان است . این که درک کند که وجود دارد ، یعنی در عین حال که مُدرک است ، مدرک هم باشد . ماده هرچه باشد و در هر مرحله که باشد ، خود به خود درک ندارد ، مگر بعد از این که روح به آن تعلق بگیرد و این از همان خاصیت غیر مادی و تجرّد روح ، ناشی می شود .

- تمایلات و رغبت ها :

اینکه انسان از چیزی خوشش می آید یا از چیزی متنفر می شود ، حالتی است که با درک توأم است . گرایش هایی که در درون انسان وجود دارد ، از خواص روح است . چیزی که روح ندارد ، نمی تواند میل ، رغبت ، عشق و علاقه و تنفر داشته باشد

- قدرت تصمیم گیری و اراده :

موجود مادی قدرت تصمیم گیری و اراده ندارد روابطی که میان موجودات مادی برقرار است روابطی "شرطی و اگر" است که اگر شرایط تحقق آنها فراهم شود ، به طور غیر ارادی و بدون تصمیم گیری قبلی ایجاد می شوند ، مثال : یک چراغ (لامپ) هیچگاه خود تصمیم نمی گیرد که روشن شود یا نشود

ب) قطع ارتباط روح با بدن

ارتباط بدن با روح از نظر اسلام، یکی از مبانی انسان شناسی است. برای انسان از هر نوع تفکری، این امر مسلم است که روزی مرگ او فرا می رسد. حقیقت مرگ که عموماً انسان ها از آن می ترسند روشن نیست.

=> اما در لسان دین حقیقت مرگ چیزی جز انتقال از عالمی به عالم دیگر نیست.

- حدیث:

لَكِنَّكُمْ تَنْتَقِلُونَ مِنْ دَارٍ إِلَى دَارٍ { بحار الانوار، ج 37، ص 146 }

- قرآن بارها از قول غافلان حیات ابدی می فرماید:

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي (فجر 24)

می گوید: ای کاش از پیش برای این زندگی [آخرتی] ام [عبادت و کاریک و توشه مناسب] فرستاده بودم

- قرآن در مقایسه زندگی دنیا و آخرت می گوید:

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (عنكبوت 64)

این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازی نیست، بی تردید سرای آخرت همان زندگی [واقعی] است، چنانچه [این بی خبران] معرفت داشتند [دنیا را به جای آخرت انتخاب نمی کردند]

- تعریف قرآن از حقیقت مرگ

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ

وَيُرْسِلُ الْآخِرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (زمر 42)

[فقط] خداوند است که جان مردم را به هنگام مرگشان می گیرد، و [جانی] آنان را که نمرده اند به هنگام خوابشان [قبض می کند] پس [جان] کسانی که مرگ را بر آنان قطعی کرده ننگه می دارد [و به بدن بازمی گرداند]، و ارواح دیگر را تا مهلت معینی [که از عمرشان باقی است به بدنشان] می فرستد، به یقین برای اندیشمندان در این [مرگ و حیات، و خواب و بیداری] نشانه هایی [از قدرت خدا] است

ج) فنا ناپذیری و بقای روح

بحث معاد در قرآن بسیار گسترده است و بیش از یک سوم آیات قرآن درباره معاد است . بین این انسان و انسانی که در آخرت زنده می شود "هوهویت" و "این همانی" برقرار است . معاد وقتی معنا میابد که انسان روحی داشته باشد که مستقل از بدن باقی بماند و دوباره به بدن باز گردد .
 = آیاتی که بیان موضوعات نفخ صور ، تجرد روح ، بقای روح ، مظهریت روح برای اسمای الهی و ... همه ناظر به بقای روح هستند

- تمام مکاتب و ادیانی که به بقای روح معتقدند ، بر این نظرند که نابودی برای روح معنا ندارد و ابدی می باشد .
 - لازمه زندگی ابدی بقای روح برای همیشه است . آیاتی از قرآن که نعمت های بهشتی را جاودان و همیشگی می داند و همچنین آیات عذاب با تعبیر "خالدون" همه بر فنا ناپذیری روح انسان و ابدی بودن آن تاکید دارند

أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ {77} وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ {78} قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ {79} الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ {80} أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ {81} إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ {82}

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ {83} (سوره یاسین آیات 77 الی 83)

آیا انسان ندانسته که ما او را از نطفه ای [پسنت و ناچیز] آفریده ایم، و اینک [در برابر ما] جدال کننده آشکاری [با سخنان و مطالبی باطل] است؟ «77» درحالی که آفرینش [نخستین] خود را [که از خاک مرده بود] فراموش کرده، برای ما مثلی زد و گفت: چه کسی این استخوان ها را درحالی که پوسیده اند زنده می کند؟ «78» بگو: همان کسی که نخستین بار آن ها را آفریده، [و به صورت انسانی کامل درآورد] زنده اش می کند، و او به هر آفریدنی داناست «79» همان کسی که برای شما از درخت سبز، آتشزنه آفرید که اکنون شما از آن آتش می افروزید «80» آیا کسی که آسمان ها و زمین را آفرید قدرت ندارد که [پس از مرگ انسان ها] مانندشان را [بی کم و زیاد] بیافریند؟ چرا، [قدرت دارد] زیرا او آفریننده بسیار داناست «81» جز این نیست که کارش چون ایجاد چیزی را بخواهد این است که به آن می گوید: باش! پس بی درنگ موجود می شود «82» بنابراین [از هر عیب و نقصی] پاک و منزّه است خداوندی که مالکیت و فرمانروایی همه چیز به دست [قدرت] اوست، و شما را به سوی او بازمی گردانند «83»



@fosselat

انسان شناسی (قسمت دوم)

موضوع

[فناپذیری (ابدیت) و ارتباط آن با ابعاد وجودی انسان]

ب: موانع شناخت و درک ابدیت

- ۱- پیروی از گمان و شک
- ۲- پیروی از هوای نفس
- ۳- پیروی از شیاطین جنّی و انسی
- ۴- لجبازی و عناد
- ۵- فرار از مسئولیت
- ۶- جهل و نادانی
- ۷- غفلت و نسیان

اولین مانع درک ابدیت، دنباله روی از تحلیل های ضعیف و حدسی است. خداوند در تحلیل رفتار مبتلایان این رفتار می فرماید:

أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ {23} وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُونَ {24} (جاثیه 24 و 32)

به من خبر ده، آیا کسی که [در عین آگاهی به این که معبود حقیقی خداوند است] خواسته های [نامشروع] خود را معبود خویش قرار داده، و خداوند [به کیفر این کار ظالمانه] او را از روی علم و آگاهی خود که می داند هدایت نمی شود [در گمراهی وا گذاشته، و بر گوش و دلش مهر عدم درک حقایق نهاده، و بر چشم [بصیرت] او پرده ای قرار داده است، بعد از خدا چه کسی او را هدایت می کند؟ آیا هشیار و متذکر نمی شوید؟! «23»] [گمراهان] گفتند: زندگی جز همین زندگی دنیای ما نیست، [گروهی] می میریم و [گروهی] زندگی می یابیم، سبب هلاکت ما فقط [همین طبیعت و] روزگار است. آنان در مورد این [گفتارشان] هیچ دانش [و دلیلی] نیست، اینان جز خیال پردازانی [سبک سرا] نیستند «24»

وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا {34} وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا {35} وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا {36} قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا {37} لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا {38} (كهف 34 الی 38)

صاحب دو باغ که محصول [فراوانی] داشت [مغرورانه] به رفیقش درحالی که با او گفت وگو می کرد، گفت: مال و ثروت من از تو بیشتر است، و از جهت نفرات از تو نیرومندترم «34» درحالی که [به سبب نافرمانی از خداوند] استمکار بر خود بود وارد باغش شد، ادعا کرد که: گمان نمی کنم هرگز این [باغ] نابود شود «35» و خیال نمی کنم که قیامت برپا شود، اگر هم بر فرض مرا [پس از مرگ] به پروردگارم بازگردانند، جایگاهی بهتر از این خواهم یافت «36» رفیقش در حال گفت وگویی با او به وی گفت: آیا به خداوندی که تو را از خاک، سپس از نطفه به وجود آورده، و بعد از آن به صورت مردی معتدل [و آراسته] درآورده کافر شده ای؟ «37» ولی [من اعتراف یقینی دارم که] او خداوند یکتا و پروردگار من است، و هیچ کس را [در هیچ امری] با پروردگارم شریک نمی گیرم «38»

- قرآن پیامبر اکرم (ص) را از اطاعت کردن افراد دچار ظن و گمان نهی می کند:

وَإِنْ تَطَّعَ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (انعام 116)

اگر از بیشتر مردم روی زمین [که دچار هوا و هوس هستند] اطاعت کنی تو را از راه خداوند گمراه می کنند، آنان فقط از گمان [که پایه علمی ندارد] پیروی می کنند، و به دروغ و تخمین تکیه می زنند

- و نیز با پیروی از ظن و گمان در بیان اندیشه مخالف است:

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (اسراء 36)

از چیزی که به آن علم [یقینی] نداری، [بلکه برگرفته از شنیده هاست] پیروی نکن! زیرا گوش و چشم و دل [که ابزار شناخت هستند] مورد پرسش قرار خواهند گرفت

خلقت انسان ترکیبی از نار و نور است و غرایز پست حیوانی به همراه گرایش عالی در سرشت او به ودیعت نهاده شده است : خداوند هر دو گرایش را در وجود ما قرار داده است و می فرماید :

فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (شمس آیه 8)

پس زشت کاری و طریقه خودنگهداری از آن را به نفس شناساند

شخصیت هوا پرست می داند خدایی دارد که باید او را بپرستد ، لیکن ب جای خداوند ، هوای خود را می پرستد : (جاثیه 23)

أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ عِثَابَ غِشَاوَةٍ فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ
 به من خبر ده ، آیا کسی که [در عین آگاهی به این که معبود حقیقی خداوند است] خواسته های [نامشروع] خود را معبود خویش قرار داده ، و خداوند [به کیفر این کار ظالمانه] او را از روی علم و آگاهی [خود که می داند هدایت نمی شود] در گمراهی وا گذاشته ، و بر گوش و دلش مهر [عدم درک حقایق] نهاده ، و بر چشم [بصیرت] او پرده ای قرار داده است ، بعد از خدا چه کسی او را هدایت می کند؟ آیا هشیار و متذکر نمی شوید؟!

- انحراف از راه حق به دلیل تبعیت از هوای نفس (قصص 50)

فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ
 چنانچه [به پیشنهاد] تو پاسخ ندادند بدان که فقط از خواسته های [نامشروع] خود پیروی می کنند ، و کیست گمراه تر از آن که بدون [چراغ] هدایتی از سوی خداوند ، از خواسته های [نامشروع] خود پیروی کند؟ بی گمان خدا مردم ستمکار را هدایت نمی کند

...أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ (بقره 87)

پس چرا هرگاه پیامبری آیین خدا را که دلخواه و هماهنگ با خواسته های نامعقولتان نبود برای شما آورد سرکشی کردید؟ و نهایتا [نبوت] گروهی را منکر شدید ، و گروهی را کشتید ؟!

- عامل گمراهی بلعم باعورا

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ {175} وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصِصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ {176} (اعراف 175 و 176)

سرگذشت کسی که آیات خود را به او عطا کردیم و او از آن ها جدا شد ، [و راه انکار و بی اعتنایی به آن آیات را پیش گرفت] برای یهودیان بخوان! پس شیطان او را دنبال کرد [تا به دامش انداخت] ، در نتیجه از گمراهان شد «175» اگر می خواستیم [منزلت] او را به وسیله آن [آیات] بالا می بردیم ، ولی او به [امور مادی و لذات] دنیا [بی زودگذر] گرایش [شدید] پیدا کرد ، و پیرو خواسته های [نامشروع] خود شد ، خصلت او [در پستی و خواری] چون خصلت سگ است ، چنانچه به سگ هجوم بری زبان از کام بیرون آورده ، [له له می زند] ، و اگر به حال خودش رهاش کنی باز هم زبان بیرون آورده ، [له له می زند] ، این است خصلت مردمی که آیات ما را انکار کردند؛ پس این داستان را حکایت کن تا [در مورد امور و عاقبت خویش] اندیشه کنند! «176»



@fosselat

ب

موانع شناخت و درک ابدیت

۳

پیروی از شیاطین جنی و انسی

دشمنی کردن در قالب دوستی و خیانت کردن با ابزار خیر خواهی، موفقیت بیشتری برای شیاطین به ارمغان می آورد

دشمنی از روی حسادت نسبت به مقام والای آدم از ابزار هایی مانند نفس اماره و اختیار انسان و شیوه هایی همچون -> وسوسه، وعده های دروغ، تفرقه افکنی، اغفال و ... منظور از شیاطین انس، انسان هایی هستند که مانند شیاطین جن بر ضد خدا و دین او اقدام نمود، انسانها را با انواع فریب ها از راه خدا دور می سازند یا اعمالی شیطانی انجام می دهند.

وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ إِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا {66} أَوْلَا يَذُكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا {67} فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا {68} ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا {69} ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا {70}

(مریم (ص) آیات 66 الی 70)

انسان [بی توجه به دلایل معاد] می گوید: آیا زمانی که بمیرم به راستی در زمان آینده مرا زنده [از خاک] بیرون می آورند؟! «66» آیا [به این حقیقت] توجه ندارد که ما او را پیش از این درحالی که چیزی نبود آفریدیم! «67» پس به پروردگارت سوگند، آنان را [که منکر معادند] با شیاطین محشور می کنیم، سپس به زانو درآمده، گرداگرد دوزخ حاضر می کنیم «68» آن گاه از هر گروهی آن که بر خداوند رحمان سرکش تر بوده بیرون می کشیم «69» [بعد از این جداسازی] یقیناً ما به کسانی که به چشیدن حرارت آتش دوزخ سزاوارترند داناتریم «70»

بیشتر کسانی که با انبیاء و اوصیا مقابله می کردند و منکر زندگی ابدی بودند، کسانی بودند که به لجاجت مبتلا بودند و نوعی کفر و عصیان داشتند. و برای توجیه عناد خود به تهمت روی می آورند نمونه این تهمت ها در سوره فرقان آیات 7 الی 11 می باشد.

وَقَالُوا مَا لَ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا {7} أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا {8} انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا {9} تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَلُ لَكَ قُصُورًا {10} بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا {11} (فرقان 7 الی 11)

گفتند: این چه فرستاده ای است که غذا می خورد، و در بازارها راه می رود، چرا فرشته ای به سوی او فرستاده نشده که پایه پایش هشداردهنده باشد؟ «7» یا چرا گنجی [از آسمان] برای او نیفتاده، یا بوستانی ندارد که از [میوه های] آن بهره مند شود؟! ستمکاران گفتند: [ای مردم!] شما فقط از مردی سحرزده پیروی می کنید «8» بنگر چگونه اوصافی برای تو بیان کردند، در نتیجه [به سبب لجاجت و کبرشان] گمراه شدند و نمی توانند راهی [به سوی حق] بیابند «9» همواره خجسته و پرخیر است آن که اگر بخواهد بهتر از آن را [در دنیا] برای تو قرار می دهد؛ بوستان هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری باشد، و قصرهایی [مجلل] برایت فراهم می آورد «10» [همه این خواسته های نامعقول بهانه است، بلکه آنان قیامت را انکار کرده اند، [به این علت نبوتت را باور ندارند، ما برای کسانی که قیامت را انکار کنند آتشی سوزان آماده کرده ایم «11»]

برخی برای فرار از مسئولیت های عملی، راه شبه افکنی علمی را در پیش میگیرند. ریشه شبه های علمی آنان، شهوت های علمی آنان است. اینان با شبه سازی می کوشند تا تردید در مقام عزم و عمل را توجیه کنند و از بار مسئولیت فرار کنند: خداوند در قرآن می فرماید (قیامت 1 الی 5)

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ {1} وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ {2} أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعُ عِظَامَهُ {3} بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ {4} بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ {5}

به قیامت سوگند! «1» و به نفس ملامتگر قسم! [که وقوع قیامت حتمی است] «2» آیا انسان گمان می کند که هرگز استخوان هایش را جمع نخواهیم کرد؟ «3» آری [جمع خواهیم کرد]، درحالی که تواناییم سرانگشتانش را [به صورتی که در دنیا بود] درست و موزون [بازسازی] کنیم «4» [انسان در انکار قیامت هیچ دلیلی ندارد] بلکه می خواهد [با قانع کردن خویش به وسیله انکارش] هرگونه فسق و فجوری را در آینده ادامه دهد! «5»

= فرار از مسئولیت به شکل اختلاس، کم فروشی، گران فروشی، دزدی، قتل، غارت، دروغ، فریب و ... آن ها مانع جدی در راه زندگی ابدی است.

- تاکید قرآن بر مسئولیت پذیری و اینکه هر کسی در گرو اعمال خویش است و نیز فرار از مسئولیت ها مهمی در زندگی ابدی است (سوره مدثر آیات 38 الی 47)

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ {38} إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ {39} فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ {40} عَنِ الْمُجْرِمِينَ {41} مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ {42} قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ {43} وَلَمْ نَكُ نَطْعُمُ الْمَسْكِينِ {44} وَكُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ {45} وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ {46} حَتَّىٰ آتَانَا الْيَقِينَ {47}

هرکسی در گرو دستاورد های خود است «38» جز سعادتمندان «39» که در بهشت ها از یکدیگر می پرسند «40» از [وضع و حال] گنه پیشگان «41» [که]: چه چیز شما را به دوزخ کشانید؟ «42» می گویند: ما از نمازگزاران نبودیم «43» و به بیچارگان طعام نمی دادیم «44» و با فرورفتگان [در باطل به باطل] فرومی رفتیم «45» و همواره روز جزا را انکار می کردیم «46» تا آنکه مرگ به سراغ ما آمد «47»

- انسان جهول در قرآن

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا
وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا (احزاب 72)

ما امانت را [که تکالیف و مسئولیت های اختیاری شرعی است] بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم، و آن ها از به عهده گرفتنش [به علت نداشتن استعداد] سر باز زدند و از [پذیرفتن] آن ترسیدند، و انسان آن را به عهده گرفت، بی تردید او [به خاطر ادا نکردن امانت] بسیار ستمکار، و [نسبت به سرانجام خیانت در امانت] بسیار نادان است

- نقش جهل در انکار دین (و قیامت)

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ (يونس 39)

آری، [جاهلان] حقیقتی را تکذیب کردند که به معارف و مفاهیمش احاطه نداشتند، و هنوز تفسیر [عینی آیات] آن [که در قیامت ظهور می کند] برای آنان نیامده، گذشتگان شان نیز [آیات الهی را] به همین صورت تکذیب کردند، پس با دقت بنگر که فرجام ستمکاران چگونه بود؟



@fosselat

ب

موانع شناخت و درک ابدیت

غفلت و نسیان

۷

- نسیان و فراموشی

فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (سجده 14)

پس [به آنان می گوئیم]: در برابر این که لقای امروزتان را [که روز قیامت است با بی اعتنایی] وا گذاشتید، [عذاب دردآوری را] بچشید که ما هم شما را [محرور از رحمت خود] وامی گذاریم، و به کیفر اعمالی که همواره انجام می دادید عذاب جاودانه را بچشید!

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى {124} قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا {125} قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى {126} وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى {127} (طه 124 الی 127)

و هرکس از هدایت من [که مایه سعادت دنیا و آخرت است] روی برتابد برای او زندگی بسیار تنگ و سختی خواهد بود، و روز قیامت او را نابینا محسور می کنیم «124» می گوید: پروردگارا! به چه علت مرا نابینا محسور کردی درحالی که [در دنیا] بینا بودم؟ «125» می فرماید: آن گونه که آیات ما برای تو آمد و تو به آن ها بی توجه بودی، امروز به همان گونه به تو بی توجهی می شود «126» [آری] کسی که [از صراط مستقیم و حدود الهی] تجاوز کرده، و به آیات پروردگارش ایمان نیاورده این چنین کیفر می دهیم [در دنیا به سختی و زحمت دچار می کنیم] و بی تردید عذاب آخرت شدیدتر و پایدارتر است «127»

- غفلت

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ {7} أُولَئِكَ مَاوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ {8} (يونس 7 و 8)

قطعاً کسانی که به لقای ما امید ندارند و فقط به زندگی دنیا دلخوشند و به آن آرامش یافته اند، و آنان که از آیات ما بی خبرند «7» همه و همه به [کیفر] گناهی که همواره مرتکب می شدند جایگاهشان آتش است «8»

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ (روم 7)

[به] وعده خدا [یقین داشته باش]، خدا از وعده اش تخلف نمی کند، ولی بیشتر مردم [به این معنی] یقین ندارند «6» فقط ظاهری [محسوس] از زندگی دنیا را می شناسند، و از آخرت [که سرای ابدی و دارای نعمت جاودانه است] بی خبرند